

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

بعد از بررسی روایات، در مسئله کثیر السفر و من شغله السفر سه نظر به میدان آمد:

الف- راه اول: بگوئیم از روایات نمی‌توانیم قدر جامع استفاده کنیم و تعلیل در روایات (لأنه عملهم) عنوان حکمت را دارد؛ در نتیجه بر عناوینی که در روایات آمده باید اکتفا کنیم؛ یعنی فقط مکاری، کری، راعی، اشتقان، التاجر الذی یدور فی تجارتہ، الامیر الذی یدور فی عمارتہ تا آخر ولو بیش از هشت فرسخ هم می‌روند ولی نمازشان تمام است.

به عبارت دیگر می‌گویند ادله وجوب قصر می‌گوید هر مسافری باید نمازش را قصر بخواند و اگر قرار باشد از این عموم استثنایی کنیم، فقط همین عناوین ده گانه را باید استثنا کنیم و الغاء خصوصیت امکان ندارد و تعلیلی نداریم.

اگر فقیهی این نظر نادر را اختیار کرد (مثلاً به صاحب مجمع الفائدة و البرهان این نظر نسبت داده شده‌است) باید بگوید هر زمان عرف به این فرد مکاری، چوپان، التاجر الذی یدور فی تجارتہ... گفت نمازش تمام است؛ در نتیجه مسلماً ملاک صدق عرفی است و بحث دیگری ندارد. ضمن این‌که روی این مبنا سفر اول و دوم هم معنا ندارد.

ب- راه دوم: بگوئیم قدر جامع روایات، «کثیر السفر» است یعنی نظر قدما را بپذیریم. البته گفتیم ولو کلمه اکثر در کلمات قدما آمده (من کان سفره اکثر)، اما موضوعیت ندارد پس شامل کسی که سفرش زیاد باشد هم می‌شود.

ج- راه سوم: بگوئیم قدر جامع روایات، «من شغله السفر» است یعنی نظر متأخرین را بپذیریم. طبق راه اول هیچ کبرائی ذکر نشده‌است ولی طبق راه دوم و سوم کبری به همراه برخی مصادیق ذکر شده‌است و بقیه را باید دیگران انجام بدهند.

ادامه بحث ملاک در کثرت سفر

بحث به ملاک کثیر السفر رسید. گفتیم ملاک در کثرت یا صدق عرفی و یا تحدید شرعی است یعنی از برخی روایات می‌توان حدّ شرعی را استفاده کرد.^[1] اگر گفتیم ملاک تحدید شرعی است دو احتمال وجود دارد:

1- هر چند شارع موضوع وجوب اتمام را کثیر السفر قرار داده‌است ولی برای صدق مفهوم کثیر السفر باید سراغ عرف برویم؛ کما این‌که نظر شریف مرحوم بروجردی همین است.

اگر کسی از ایشان پرسید که مسلماً ملاک در کثرت، سفر اول نیست پس یا از سفر دوم و یا از سفر سوم به بعد باید کثرت محقق شود، پس عدم اقامه عشرة ایام برای چیست؟ در جواب می‌گویند این از قواطع کثرت است یعنی شارع می‌گوید کسی کثیر السفر است که عرف هم به او کثیر السفر بگوید ولی اگر ده روز در وطنش ماند، کثرت را قطع می‌کند.

2- از کلام شهید در روض الجنان استفاده می‌شود که کثرت در مورد کسی که لا یقیم عشرة ایام فی بلده أو فی بلد آخر حقیقت شرعیه و از کلام شیخ انصاری در کتاب الصلاة استفاده می‌شود کثرت در مورد این فرد اصطلاح فقهای است و تعبیر به حقیقت شرعیه صحیح نیست و حتی ایشان تعبیر به اصطلاح متشرعیه فقهای می‌کند؛ یعنی متشرعه یا فقها به کسی کثیر السفر می‌گویند که ده روز در وطنش یا در جای دیگر نماند پس اگر کسی ده روز ماند کثیر السفر نیست.

بررسی شرط اقامه عشرة ایام

مرحوم شیخ طوسی و محقق در شرایع این شرط را ذکر کرده‌اند و تقریباً اصل این شرط مورد اجماع است. تنها کسی که با این شرط مخالفت کرده بنابر آنچه که صاحب مدارک نقل می‌کند مقدس اردبیلی است. البته صاحب حدائق هم می‌گوید عشرة ایام قاطع برای کثرت نیست.

صاحب مدارک در این بحث فرموده است «و المسألة محل إشكال إلا أن ظاهر الأصحاب الاتفاق على أن إقامة العشرة أيام في البلد قاطعة لكثرة السفر و موجبة للقصر».^[2] ظاهر اصحاب یعنی فقها اجماع دارند. در عبارتی دیگر هم می‌گوید «و هذا الشرط (یعنی این‌که کثیر السفر ده روز در وطنش نماند) مقطوع به في كلام الأصحاب».^[3]

البته با این‌که صاحب مدارک در مسئله ادعای اجماع کرده‌است و مرحوم بروجردی هم مسئله اجماع را قبول کرده ولی در جایی نقل شده‌است که «أن دعوى الإجماع في مثل هذه الأمور و غلط».^[4] علت این است که اگر مفهوم کثرت را عرفی بدانیم مطرح کردن اجماع در مفاهیم عرفیه معنا ندارد چون عرف یا حکم به فلان چیز می‌کند یا نمی‌کند. ضمن این‌که این قبیل اجماعات کشف از قول امام معصوم (علیهم السلام) نمی‌کند. بله در مسائل شرعی اجماع معنا دارد یعنی در مسائل شرعی بگوئیم شارع این را معتبر دانسته‌است. البته شاید این مطلب قرینه بر این باشد که بگوئیم کسانی که اجماع را مطرح می‌کنند، کثیر السفر را عنوان شرعی یا متشرعی می‌دانند.

بررسی روایات دال بر معیار کثرت

حالا باید ببینیم از روایات استفاده می‌شود که اقامه عشرة ایام قاطعة للكثرة یعنی کثرت مفهوم عرفی دارد و شارع می‌گوید اگر اقامه آمد کثرت در نظر من از بین می‌رود. یا این‌که روایات در مقام بیان معیار کثرت است یعنی کسی که ده روز در وطن بماند شرعاً کثیر السفر نیست یا به نحو حقیقت شرعیه یا حقیقت متشرعیه. صاحب وسائل در باب 12 شش روایت نقل کرده‌است:

روایت اول باب

سند حدیث: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.» در این سند دو نکته وجود دارد:

الف- به اسماعیل بن مرار: شیخ طوسی در رجال و در بخش «فیمین لم یروی عن الائمة» در مورد ایشان فقط می‌گوید

«إسماعيل بن مزار روی عن يونس بن عبد الرحمن روی عنه إبراهيم بن هاشم»^[51] بیش از دویست روایت از یونس نقل می‌کند و راوی از او هم ابراهیم بن هاشم است اما توثیق نکرده‌است. صاحب مدارک در همین بحث یکی دو بار می‌گوید اسماعیل بن مزار مجهول است و روایت ضعیف است.^[6]

اما دو نکته وجود دارد: اولاً بحر العلوم این راوی را توثیق کرده‌است^[7] و ثانیاً ابن ولید می‌گوید کتب روایی یونس بن عبد الرحمن تماماً صحیح و معتمد علیها است غیر از آنچه محمد بن عیسی بن عبید متفرد به اوست را قبول نداریم ولی بقیه‌اش را قبول داریم.^[8] از همین می‌شود وثاقت اسماعیل بن مزار را استنباط کرد.

ب- ارسال در سند: در سند «یونس بن عبد الرحمن عن بعض رجاله» وارد شده که به حسب ظاهر مرسله است. بعض رجاله یعنی بعض مشایخه و غالباً مراد از مشایخ یونس، عبدالله بن سنان است و لذا وقتی سند روایات دیگر را هم بررسی کنیم می‌بینیم یونس از عبدالله بن سنان زیاد نقل می‌کند و لذا از این جهت هم اشکال ندارد. سند به نظر ما معتبر است.

متن حدیث: «سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الْمُكَارِي الَّذِي يَصُومُ وَيُتِمُّ - قَالَ أَيْمًا مُكَارٍ أَقَامَ فِي مَنْزِلِهِ أَوْ فِي الْبَلَدِ - الَّذِي يَدْخُلُهُ أَقَلُّ مِنْ مَقَامٍ عَشْرَةِ أَيَّامٍ - وَجَبَ عَلَيْهِ الصِّيَامُ وَالتَّامُّ أَبَدًا - وَإِنْ كَانَ مَقَامُهُ^[9] فِي مَنْزِلِهِ - أَوْ فِي الْبَلَدِ الَّذِي يَدْخُلُهُ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ - فَعَلَيْهِ التَّقْصِيرُ وَالْإِفْطَارُ.» عبدالله بن سنان به امام عرض کرد ملاک این‌که شما فرمودید مکاری روزه را بگیرد و نماز را تمام بخواند چیست؟ گویا در ذهن سائل بوده که مکاری چند جور است. امام (علیه السلام) فرمودند هر مکاری اگر در خانه‌اش یا بلدی که می‌رود کمتر از ده روز بماند باید تا آخر عمر روزه‌اش را بگیرد نمازش را تمام بخواند.

بعد فرمود اگر در منزلش یا جایی که سفر می‌رود ده روز یا بیشتر توقف می‌کند باید تقصیر و افطار کند چون عشرة أيام است.^[10]

کسانی مثل مجمع الفائده در مورد این روایت می‌گویند به عنوان کثرت کاری نداریم. امام فرموده مکاری باید نمازش را تمام بخواند ولی این روایت آن کلی را تخصیص می‌زند و می‌گوید مگر مکاری که ده روز در وطنش بماند.

ولی روی قول قدما که کثیر السفر را ملاک می‌دانند، آیا این روایت در مقام بیان معنای کثرت است؟ یا این‌که قدما کثیر را از روایت استفاده کردند ابتدا می‌گویند معنای عرفی‌اش ملاک است اما شارع برای این مفهوم عرفی شرطی هم گذاشته‌است. مثلاً کسی که حداقل ده روز در خانه‌اش می‌ماند، دوباره ده روز به سفر می‌رود دوباره برمی‌گردد و ده روز می‌ماند و دوباره ده روز سفر می‌رود و... عرف مسلم به این کثیر السفر می‌گوید. عرف حتی به کسی‌که مثلاً 20 روز می‌رود و ده روز می‌ماند، دوباره 20 روز می‌رود و ده روز می‌ماند هم کثیر السفر می‌گوید ولی شارع می‌گوید این شخص کثیر السفر نیست و باید باید نماز را قصر بخواند.

به نظر ما ظاهر همین است. یعنی حرف و توجیه روض الجنان و مرحوم شیخ صحیح نیست؛ ما باید ابتدا برای کثیر السفر یک مفهوم عرفی را روشن کنیم، یعنی اول این آدم باید کثیر السفر شود، بعد بگوئیم شارع چنین شرطی را گذاشته‌است. به بیان دیگر شارع نمی‌خواهد برای کثیر معنای جدیدی کند، یا فقها در اصطلاح فقهایی‌شان نمی‌خواهند برای کثیر معنای جدیدی کنند.

روایت پنجم باب

سند حدیث: «وَبِإِسْنَادِهِ (صدوق) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.» در مشیخه‌ی فقیه وارد شده که «و ما كان فيه عن عبد الله بن سنان فقد رويته عن أبي - رضي الله عنه - عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أيوب بن نوح، عن محمد بن أبي

متن حدیث: « الْمُكَارِي إِذَا لَمْ يَسْتَقِرَّ فِي مَنْزِلِهِ إِلَّا خَمْسَةَ أَيَّامٍ أَوْ أَقَلَّ - قَصَرَ فِي سَفَرِهِ بِالنَّهَارِ وَ أَتَمَّ (صَلَاةَ اللَّيْلِ) - وَ عَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ - وَ إِنْ كَانَ لَهُ مَقَامٌ فِي الْبَلَدِ - الَّذِي يَذْهَبُ إِلَيْهِ عَشْرَةَ أَيَّامٍ أَوْ أَكْثَرَ - وَ يَنْصَرِفُ إِلَى مَنْزِلِهِ - وَ يَكُونُ لَهُ مَقَامٌ عَشْرَةَ أَيَّامٍ أَوْ أَكْثَرَ - قَصَرَ فِي سَفَرِهِ وَ أَفْطَرَ. » اگر مکاری در منزلش نماند مگر پنج روز یا اقل که این اقل ظهور در کمتر از پنج روز دارد ولی برخی احتمال اقل از عشره که احتمالشان هم درست است. اگر در روز به مسافرت رفته باید نمازش را قصر بخواند ولی اگر در شب در سفر بود با نماز را تمام بخواند. اگر در بلدی که می‌رود ده روز می‌ماند و منزلش هم که می‌آید ده روز می‌ماند باید در سفر نماز را قصر بخواند و افطار کند.^[12]

روایت ششم باب

سند حدیث: « رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ. » سند روایت ششم با سند روایت اول یکی است.

متن حدیث: در این روایت شیخ « أَسْقَطَ قَوْلَهُ وَ يَنْصَرِفُ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ يَكُونُ لَهُ مَقَامٌ عَشْرَةَ أَيَّامٍ أَوْ أَكْثَرَ. »^[13]

پس روایت اول و ششم تقریباً سندشان یکی است و متن‌شان هم قریب به هم است. اما آقای بروجردی هر چند ابتدا تمایل پیدا می‌کنند اینها یک روایت هستند ولی در ادامه و به جهت وجود «إِذَا لَمْ يَسْتَقِرَّ فِي مَنْزِلِهِ إِلَّا خَمْسَةَ أَيَّامٍ» در روایت پنجم می‌گویند اینها فرق دارند.^[14] در مقابل بحر العلوم اصرار دارد که این سه روایت یکی هستند.^[15]

مرحوم آقای بروجردی (قدس سره) می‌فرمایند بر این روایات اشکالاتی وجود دارد که بعضی در روایت پنجم و ششم و بعضی فقط در روایت ششم و بعضی فقط در روایت اولی است. شاید مثل صاحب حدائق یا بعض دیگر که گفته‌اند اقامه عشره ایام قاطع برای کثیر السفر نیست در سند یا متن روایات اشکال دارند.

به نظر ما این روایات از لحاظ سندی درست است و از جهت متن فی الجمله از این روایات استفاده می‌شود اگر کسی ده روز در وطن یا جایی بیرون از وطنش ماند باید نمازش را قصر بخواند و در صورتی باید تمام بخواند که ده روز در وطن نباشد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] □ برخی احتمال دادند ملاک کثرت عددی است، یعنی عدد سفر بیشتر از عدد حضر باشد؛ مثلاً در یک ماه فرد پنج بار به سفر رفته و سه یا چهار بار حضر بوده‌است. احتمال دیگر کثرت زمانی است، زمانی یعنی زمان سفر (نه عدد سفر)، بیشتر از زمان حضر باشند؛ مثلاً در این یک ماه 14 روز در حضر و 16 روز در سفر بوده‌است. به نظر ما احتمال دوم و سوم اصلاً قابل اعتنا نیست و مجرد یک احتمال است.

[2] □ مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ج 4، ص: 452.

[3] □ مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ج 4، ص: 452.

[4] □ البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافرين، ص: 179.

[5] □ رجال الطوسي/باب ذكر أسماء.../باب الهمزة/412.

[6] □ «إسماعيل بن مزار الواقع في طريق... و هو مجهول.» مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ج 4، ص: 453.

[7] مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثه)، ج10، ص: 527.

[8] «يونس بن عبد الرحمن مولى آل يقطين...سمعت محمد بن الحسن بن الوليد رحمه الله يقول: كتب يونس التي هي بالروايات كلها صحيحة يعتمد عليها إلا ما ينفرد به محمد بن عيسى بن عبيد و لم يروه غيره فإنه لا يعتمد عليه و لا يفتى به.» فهرست الطوسي/باب الياء/باب يونس/511.

[9] مقام و مقام با يكديگر تفاوت دارند. نمی گوئیم مقام ابراهیم بلکه می گوئیم مقام ابراهیم. مقام ابراهیم یعنی محلی كه ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) در آن ایستاده یعنی محل القيام. مقام یعنی محل الاقامة از اقام یقیم، جای كه انسان اقامه کرده است.

[10] «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الْمُكَارِيِّ الَّذِي يَصُومُ وَيُتَمُّ - قَالَ أَيْمًا مُكَارٍ أَقَامَ فِي مَنْزِلِهِ أَوْ فِي الْبَلَدِ - الَّذِي يَدْخُلُهُ أَقَلُّ مِنْ مَقَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ - وَجَبَ عَلَيْهِ الصِّيَامُ وَالتَّمَامُ أَبَدًا - وَإِنْ كَانَ مَقَامُهُ فِي مَنْزِلِهِ - أَوْ فِي الْبَلَدِ الَّذِي يَدْخُلُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ - فَعَلَيْهِ التَّقْصِيرُ وَ الْإِفْطَارُ.» وسائل الشيعه، ج8، ص: 488.

[11] من لا يحضره الفقيه، ج4، ص: 431.

[12] «و بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمُكَارِيُّ إِذَا لَمْ يَسْتَقِرَّ فِي مَنْزِلِهِ إِلَّا خَمْسَةَ أَيَّامٍ أَوْ أَقَلَّ - قَصَرَ فِي سَفَرِهِ بِالنَّهَارِ وَ أَتَمَّ (صَلَاةَ اللَّيْلِ) - وَ عَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ - وَإِنْ كَانَ لَهُ مَقَامٌ فِي الْبَلَدِ - الَّذِي يَذْهَبُ إِلَيْهِ عَشْرَةَ أَيَّامٍ أَوْ أَكْثَرَ - وَ يَنْصَرِفُ إِلَى مَنْزِلِهِ - وَ يَكُونُ لَهُ مَقَامٌ عَشْرَةَ أَيَّامٍ أَوْ أَكْثَرَ - قَصَرَ فِي سَفَرِهِ وَ أَفْطَرَ.» وسائل الشيعه، ج8، ص: 489 و 490.

[13] «و رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ أَسْقَطَ قَوْلَهُ وَ يَنْصَرِفُ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ يَكُونُ لَهُ مَقَامٌ عَشْرَةَ أَيَّامٍ أَوْ أَكْثَرَ.» وسائل الشيعه، ج8، ص: 490.

[14] البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافرين، ص: 181.

[15] مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - القديمة)، ج3قسم1، ص: 572.